

۱۰۰ کتاب خوب

کتاب ۱۸

حکیم خیام نیشابور

عنوان:

۱۰۰ کتاب خوب،

کتاب ۱۸: حکیم خیام نیشابور

پدیدآورنده: حسین لطف‌آبادی

زبان نوشتاری: فارسی و انگلیسی

نوع کتاب (ژانر): ادبیات روان‌شناختی و آموزشی و

پرورشی

موضوع کتاب (سوژه): شناساندن زندگی و دیدگاه‌های

حکیم خیام نیشابور بر اساس دانش روان‌شناسی تربیتی

گروه سنی: جوانان و بزرگسالان

الف - لطف‌آبادی، حسین

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

رده‌بندی دیوئی: ۸۱۷/۲۲

شابک (ISBN): ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۹-۱۷-۳

کتاب‌شناسی ملی ایران: ۴۲۶۴۵۱۸

تاریخ صدور مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد: ۹۵/۶/۱۷

ناشر:

انتشارات حکیم فردوسی، تهران

چاپ یکم، ۱۳۹۵، ۲۰۰۰ جلد، مصور

تصاویر گانید، صفحه‌آرایی، و چاپ:

آتلیه انتشارات حکیم فردوسی

دیزاینر: عاصمه محمدی

کلیه حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای انتشارات حکیم

فردوسی محفوظ است. سرگروه اقتباس و ترجمه

از تمام یا بخشی از این کتاب، به صورت بازسازی،

ذخیره‌سازی در سیستم‌های، یا انتقال به هر شکل

و به هر صورت دیگر، اعم از الکترونیکی، مکانیکی،

تصویربرداری، و ضبط و غیره، بدون اجازه قبلی و

کتبی انتشارات حکیم فردوسی ممنوع است.

نشانی: تهران، ولنجک، خ گلستان یکم، پلاک ۱۰،

واحد ۸ (کد پستی ۱۹۸۴۷۱۴۶۵۸)

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۰۹۵۲۰

Website: www.hakimferdowsi.com

Email: info@hakimferdowsi.com

مقدمه‌ای برای خواندن کتاب حکیم خیام نیشابور

کتاب "حکیم خیام نیشابور" از مجموعه "۱۰۰ کتاب خوب"، برای جوانان و بزرگسالان نوشته شده است. حکیم خیام نیشابور را از نو باید بشناسیم و قدر او را بدانیم. ما ایرانیان در حق او و در حق خودمان بسیار کوتاهی کرده‌ایم که خود را از فهم درست اندیشه‌های او محروم ساخته‌ایم.

او که نزدیک به هزار سال پیش و در سده یازده میلادی زندگی می‌کرد، بزرگترین دانشمند و اندیشمند طراز اول جهان بشری در تاریکی قرون وسطا و در شب یلدای نادانی و خرافه‌گرایی و استبداد در مدت هزار و هشتصد سال، از آغاز سده سوم پیش از میلاد تا سده پانزدهم میلادی، است که اندیشه‌های او همچون خورشیدی تابناک در ظلمت قرون وسطا می‌درخشید و هنوز هم روشنی‌بخش زندگی کسانی است که ذهن باز و جستجوگر دارند.

او در طی هفتاد و چهار سال زندگی خود (از ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ تا ۱۲ آذر ۵۰۱ خورشیدی خیامی برابر با ۱۸ ماه می ۱۰۱۰ تا ۴ دسامبر ۱۱۲۲ میلادی)، جدا از کشف و نوآوری‌های بزرگ و پُراهمیت در ریاضی و نجوم، یک نظام اندیشه فلسفی را نیز به زبان فشرده و ساده شعری به یادگار گذاشته است که هزار سال از زمان او پیشتر بوده و چراغ راهنمای اندیشه و احساس و رفتار بسیاری از مردمان خردمند و زندگی‌شناس جهان ما شده است.

خیام، که پدر و مادر و اجداد او نیز نیشابوری بودند، بیشتر عمر خود را در همان شهر گذراند. در همان نیشابور، که یک مرکز بزرگ علمی در جهان آن روز بود، درس خواند و موقعی که در آغاز دهه چهارم زندگی خود مدارج دانش و طب و ریاضی و نجوم و حکمت را پشت‌سر گذاشته بود، به سفرهای علمی پرداخت و به سمرقند و مرو و بخارا و بلخ و سغفهان و نقاط دیگر سفر کرد و به کار دانش و اندیشه سرگرم بود.

او شیفته و شدیداً متأثر از فرهنگ اصیل ایرانی است که در همه جای ایران، خاصه در خراسان و در نیشابور که نگین آن و عصاره فراز و نشیبهای تاریخ و فرهنگ ایران است، نمود ویژه داشته و هنوز هم دارد. نیشابور، آب‌شهری است که در بیش از دو هزار سال تاریخ خود در زیر بیشترین بلاهای طبیعی و انسانی بوده و بارها با خاک یکسان شده اما باز سر از خاک برآورده و وجود این شهر تا به امروز، دلیلی زنده از روح شکست‌ناپذیری و نیروی زندگی مردم این شهر و دیگر مردم سراسر ایران است.

حکیم خیام نیشابوری بیش از هر فیلسوف و دانشمند و ادیب ایرانی، شناخته شده خاص و عام در جهان است. با این همه، ایرانیان، بخصوص نوجوانان و جوانان ایران، غالباً فقط نامی از او شنیده‌اند و آنچه درباره او می‌دانند بسیار اندک و آمیخته به خطاست. گویی فلسفه زندگی و اندیشه خیامی، همان گونه که در زمانه زندگی خود او به دلیل فتنه‌های عالم‌نمایان بدخواه و فرومایه و تسلط سرکوبگری‌های مستبدان و فریبکاران، بر مردم ناشناخته بود، هنوز هم دچار سرنوشت مشابهی است.

ارجمندی خیام در جهان انسانی، از هومر و سقراط و ارسطو و گوته کمتر نیست بلکه در مواردی با همه آنها برابر است و در مجموعه فلسفه و دانش و هنر بر هر یک از آنان برتری دارد. بسیاری از آثار فلسفی و علمی و ادبی او، مانند آثار اکثر بزرگان ایران، از تطاول دست حوادث ایجاد شده توسط سرکوبگران مردم و عملاً غلامان ترک و تاتار و مغول و تازی مصون نمانده اما همین مقدار هم که باقی مانده نشان از نژاده بودن و نبوغ و شخصیت بی‌همتای او دارد.

حکیم خیام نیشابور، نه تنها یک فیلسوف و منجم و ریاضی‌دان و ادیب بزرگ ایران بلکه کسی است که با صد و شصت و دو رباعی که سروده است، جهان را به جوش و خروش آورده و رباعیات او، پس از انجیل و به اندازه داستان‌های شعری شکسپیر، بیش از هر کتاب فرهنگی و ادبی دیگری در جهان، در صد و پنجاه سال گذشته در هزارها بار چاپ و در ترجمه‌های گوناگون به زبان‌های دیگر انتشار یافته است و هم‌تا و رقیبی در جهان ندارد.

در دوران زندگی خیام، جز دوستان نزدیک او، کسی با رباعیات و اندیشه‌های عمیق انسانی وی آشنایی نداشت همگان او را به عنوان یک حکیم و دانشمند و منجم و ریاضی‌دان بی‌همتا می‌شناختند ولی اندیشه‌های فلسفی او صد سال پس از مرگش به تدریج انتشار یافت و در اختیار همگان قرار گرفت. او در ریاضی و نجوم و حکمت و دانش‌های زمانه خود چنان بلندپایه بود که قدرتمندان مستبد زمانه نیز ناگزیر از پذیرش وی بودند.

و چنین بود که در نامه خاقانی به شهباشاه می‌خوانیم که: وزیر ملک‌شاه سلجوقی، خواجه بزرگ کاشانی، به خیام گفت «تو به سالان علم چه خدمت کنی که هر سال ده هزار دینار مرسوم به تو باید داد؟»

و خیام در پاسخ وی گفت «هزار سال آسمان را بخران را در مدار و سیر به شیب و بالا جان باید کندن تا از این آسیابک، دانه‌های درست چون عمر خیام بیرون افتد و از این هفت شهر پای‌بالا و هفت‌دیه سرنشیب یک قافله سالار دانش چون من آید اما اگر خواهی از هر دهی در نواحی کاشان چون خواجه ده ده بیرون آرم و به جای او بنشانم که هر یک از عهده کار خواجگی بیرون آید.» خواجه از جای بشد و سر در پیش افکند، که جواب بسی پادشاهی دید. این حکایت به حضرت ملک‌شاه باز گفتند. گفت: «بالله که عمر خیام راست گفت.»

و خاقانی می‌گوید: «پانصد هجرت چو خیام نژاد یگانه اما، چون خواجه هر هفته صد هزار برآید.» در مورد اهمیت حکمت و ادب و دانش به جای مانده از قلم بزرگترین منجم و ریاضی‌دان ایرانی، باید در نظر داشت که شهر نیشابور، که در تاریکترین دوره قرون وسطا (یعنی در قرن‌های دهم تا دوازدهم میلادی) بیش از ۱۰۰۰ دانشمند را در خود پرورده، این چهره جهانی بسیار درخشان را نیز در دامن خود پرورش داده که در حکمت و ریاضیات و نجوم و تاریخ و ادب و انسان‌شناسی سرآمد همه آنان بوده است.

این دانشمند بزرگ، دقیقترین گاه‌شماری جهان را با نام تقویم جلالی پدید آورده است. هفتصد سال پیش از داروین نظریه عمومی تکامل و سازگاری با محیط را به زبان ساده و مختصر در کتاب نوروزنامه بیان کرده و می‌گوید: «به فرمان ایزد تعالی حال‌های عالم دیگرگون گشت، و چیزهای نو پدید آمد. مانند آنک در خور عالم و گردش آن بود»، و نشان می‌دهد که موجودات

جهان جدا جدا آفریده نشده بلکه پیدایش هر نوع از آنان در جریان سازگاری با محیط و با گردش عالم رخ داده است.

رباعیات او نیز سراسر گویای نظریه رشد و تکامل و مبارزه نیکی و بدی و جنگ با خرافات و موهومات و افسانه پردازی های سامی و رهنمود چگونگی درست اندیشیدن و درست زیستن و زیبایی دوستی و شور زندگی است. او طبع آزاداندیش آریایی را نقطه مقابل اسیرسازی باورهای سامی دانسته و مینوی بودن گرایش به زیبایی و نیکویی را، هم در رباعیات خود نشان داده و هم در کتاب «نوروزنامه» آشکارا بیان کرده و می گوید: «نیکویی به همه زبان ها ستوده است و به همه خردها پسندیده، و اندر جهان چیزهای نیکو بسیار است که مردم از دیدارشان شاد گردد، و به طبع اندر تازگی آرد، و لیکن هیچ چیز به جای روی نیکو نیست، زیرا که از روی نیکو شادی آید چنانکه هیچ شادی به آن نرسد... و چون روی نیکو با خوی نیکو یار شود آن نیک بختی به غایت رسیده باشد»

او در دانش ریاض سرآمد است و به اثبات مسائل جبر و مقابله پرداخته و پانصد و پنجاه سال پیش تر از دکارت دانش سهمیه تعلیلی را ارائه کرده است.

ششصد سال پیش از پادشاه و نهمین، مثلث اعداد را کشف کرده و به حل و بسط معادلات درجه دوم و سوم و تعیین ضرایب در جمله ی پرداخته است.

در کتاب خود با عنوان «رساله در شرح مدارات کتاب اقلیدس»، که یک شاهکار نوآورانه علم هندسه است، تئوری ریاضی موسیقی را ارائه کرده، نظریه ای که هفتصد و پنجاه سال بعد اساس هندسه غیراقلیدسی لوبافسکی قرار گرفت.

او مورد اتهام متکلمان عصر خود بوده و، چنانچه مشهور است، محمد غزالی در نوشتن کتاب «تهافت الفلاسفه» به وی نظر داشته و خیام، در یک رباعی کوتاه، پاسخ بسیار محکمی به او داده و می گوید:

دشمن به غلط گفت که من فلسفیم
لیکن چو در این غم آشیان آمده ام
ایزد دانم که آنچه او گفت نیم
آخر کم از آنکه من بدانم که کیم؟

خیام نگرشی انسانی به آدمی داشت، آزاده و آزادی بخش بود، با خرافات و تعصبات مبارزه کرد، انسانی دانش پژوه و تجربه گرای بود و، چند صد سال پیش از تجربه گرایی و وجودگرایان و پدیدارشناسان، بنیاد فلسفه علمی و خردمندانه را گذاشت و نشان داد که فلسفه، جستجوگری برای شناخت هستی طبیعی و انسانی و درست اندیشیدن و درست زیستن است.

او همچنین، در فهم تاریخ و جامعه مدنی دیدگاه های ارزنده ای داشت و در سیاست مدنی و جامعه شناسی نیز نشان داد که مردم عامی گرفتار نادانی و خرافاتی گری هستند و راست کرداری و راستگویی و درست اندیشی و قدرت بینش و تمیز کافی ندارند و ابزار کار عوام فریبان و مستبدان هستند.

او روان شناسی انسان سالم را چنان بیان کرده که هیچ یک از دانشمندان پیشین به پای او نمی رسند.

خیام مهمترین کتاب ریاضی خود یعنی رساله جبر و مقابله را، که از او به جای مانده است، در زمان بلوغ فکری خود در سنین پختگی و سالخوردگی نوشته و نه تنها مهمترین مسائل ریاضی زمانه خود را حل کرده بلکه متوجه مهمترین مسأله جهانی آدمی در قرون وسطا بوده و، با رعایت تواضع، خطر بسیار بزرگ دانشمندان را نیز، که همیشه آب به آسیاب ستمگران و ریاکاران می‌ریزند، آشکار ساخته است. او در این کتاب، دشواری‌های کار علم را نیز برشمرده و روان‌شناسی تفاوت‌های دانشمندان راستین با عالم‌نمایان را آشکار کرده است. او در مقدمه کتاب «برهان‌های مسائل جبر و مقابله» نوشته است:

«و من همواره سخت اشتیاق به تحقیق استدلالی این اصناف و جدا کردن حالات ممکن و ممتنع هر صنف داشتم، چون می‌دانستم که این امر در حل مسائل دشوار شدیداً مورد احتیاج است. زیرا ما گرفتار روزگاری هستیم که از اهل علم فقط عده کمی، مبتلا به هزاران رنج و محنت، باقی مانده، که پیوسته در اندیشه‌آند که غفلت‌های زمان را فرصت جسته به تحقیق در علم و استوار کردن آن بپایان برند. و بیشتر عالم‌نمایان زمان ما حق را جامه باطل می‌پوشند و گامی از حد خودنمایی و ظاهر به دانایی فراتر نمی‌نهند. و آنچه را هم می‌دانند جز در راه اغراض مادی پست به کار نمی‌برند، اگر اینند که کسی جستن حقیقت و برگزیدن راستی را وجهه همت خود ساخته، و در ترک سب و سونمایی و مکر و حيله جهد و سعی دارد، او را خوار می‌شمرند و تمسخر می‌کنند و در هر حال، ندانند یاری‌دهنده و پناه همه است...»

برجستگی علمی و تجربه‌گرایی و خردورزی خیام به جایی رسیده بود که نه تنها کسانی چون محمد غزالی و نجم‌الدین دایه و دیگران با او به دشمنی برخاستند بلکه فریدالدین عطار نیز، که اندیشه‌های صوفیانه و خوش‌خیالانه داشت، به زانو در برابر او افتاد و همراهی با عوام‌الناس، اندیشه‌های او را برنتابید و در برخی شعار خود، مورد تعریض و تحقیر و طعنه و اهانت قرار داد.

به هر حال، خیام به خوبی نشان داد که جهان دانشمندان، بسیار با دنیای تخیلی و خوش‌باورانه صوفیان و با جهان خودساخته و خرافی عالم‌نمایان متظاهر چه تفاوت‌های اساسی دارد.

خیام، با سرودن یکصد و شصت و دو رباعی اصیل در تاریکی این قرن یازدهم میلادی و در اوج «ظلمت حکام شب یلدا»، جهان را روشن کرد و در جهان‌شناسی و شناخت ارزش زندگی انسانی هزار سال از زمان خود جلوتر بود. اندیشه‌های او چراغی نورانی پیش پای ما گذاشته و راه خردمندانه‌زیستن و قدر زندگی دانستن را به ما نشان داده است.

زیبایی اندیشه‌ها و رهنمودهای زندگی‌ساز و نام بزرگ او موجب شده که هر کسی هرچه را خواسته به نام او گفته و تا به حال، صدها و صدها رباعی به او نسبت داده‌اند که اکثراً بی‌محتوا و بی‌پایه و اساس است و با اندیشه خیامی سازگاری ندارد. از میان آن مجموعه بزرگ همخوان و ناهمخوان و رسا و نارسا، می‌توان یکصد و شصت و دو (۱۶۲) رباعی را، که دارای نظام فلسفی و علمی و ادبی و هنری هماهنگ و استوار است، از سروده‌های خود او دانست. تردیدی نیست که تشخیص رباعی‌های اندک او از رباعی‌های بی‌شمار منسوب به او، تنها از عهده دانشمندان پخته و کارآزموده، که فلسفه و دانش و ادبیات و هنر را به‌درستی بشناسند، بر می‌آید.

خیام نمونه بی‌نظیر یک حکیم و دانشمند برای همه ما است و می‌توانیم از او الگو بگیریم و چهره حکمت و دانش و ادب و هنر را تغییر دهیم و فلسفه زندگی پاکیزه و شادمانه اصیل ایرانی را به جهان معرفی کنیم. این تکلیفی است که بر عهده روشن‌اندیشان دانا و شجاع و آزاده ایران در زمان حاضر است.

هم از گذشته‌های دور و هم در جریان تهیه این کتاب، پس از بررسی دقیق تمام رباعیاتی که به خیام نسبت داده شده و پس از مطالعه مهمترین آثار ارزشمند پژوهشی دانشمندان ایرانی و جهانی در مورد حکیم خیام نیشابور، در این کتاب پنجاه و پنج (۵۵) رباعی از یکصد و شصت و دو رباعی اصیل او را، که تبلوری از دقیقترین اندیشه‌های اوست و در هشت موضوع زیر سروده شده، به خوانندگان شناسانده‌ام. یکصد و هفت (۱۰۷) رباعی دیگر او را، که غالباً معانی همانند با این پنجاه و پنج رباعی دارند، بدون توضیح در پایان هر بخش آورده‌ام.

۱- اهمیت جست‌وجوی و خردمندی در رشد آدمی؛ ۱۸ رباعی

۲- ضرورت دستیابی به حقیقت نه به جهان و زندگی؛ ۲۸ رباعی

۳- شناخت مغالطه‌گری و مقابله با دروغ‌گویی و فریبکاران؛ ۱۷ رباعی

۴- عوام‌شناسی و دوری از سطحی‌نگری؛ ۹ رباعی

۵- زندگی‌شناسی و فلسفه هستی‌رزی؛ ۲۷ رباعی

۶- توجه به گذار پرشتاب زندگی و گردش دوران؛ ۲۳ رباعی

۷- ضرورت شادمانی و بهره‌گیری از زمان حال و ر تمام زندگی؛ ۳۰ رباعی

۸- انسان‌دوستی و آزادگی و سرافرازی انسانی. ۱۰ رباعی

لازم به یادآوری است که در ترجمه و ویرایش زبان انگلیسی کتاب، دوست ارجمندم آقای دکتر مهدی میرزایی یاور من بوده‌اند که از ایشان بسیار سپاسگزارم و باید بگویم که، در هر حال، مسئولیت کم و کیف نوشته‌های فارسی و انگلیسی کتاب کاملاً بر عهده خود من است.

انتظار می‌رود که پدران و مادران و مربیان و معلمان و دبیران، ابتدا بخش این کتاب را بخوانند و دریابند و آنگاه در کنار نوجوانان و جوانان قرار گیرند و هر صفحه را که می‌خوانند در مورد آن گفتگو کنند تا مفاهیم نوشته‌ها در ذهن آنان درونی شود.